

به نام خداوند جان و خرد

### قیام آزادیخواهانه و ضد دیکتاتوری ملت سوریه

عربی نو پا را که از اتحاد مصر و سوریه و به همت «جمال عبدالناصر» تشکیل یافته بود از هم گسیخت. حافظ اسد از یک سو خود را در صف نخست مبارزه با اسرائیل و صهیونیسم قلمداد میکرد و از سوی دیگر اسلام گرایان سوریه و مخالف با اسرائیل را تحت سیعانه ترین سرکوب قرار میداد که این سرکوب ها تا هم اکنون هم ادامه دارد. با درگذشت ناگهانی حافظ اسد در ژوئن سال ۲۰۰۰ پسرش بشار اسد جانشین او و رئیس جمهور سوریه گردید ولی کارنامه حکومت حدود یازده ساله او تفاوت چندانی را با حکومت پدرش نشان نمیدهد. باز هم بند بازی در سیاست خارجی و سرکوب کردن کشورهای منطقه و بهره گیری از سرکوب و اختناق در داخل. در سال ۲۰۰۴ در تظاهرات و شورش که بدنبال یک مسابقه فوتبال در شهر «قامشلی» روی داد نیروهای سرکوب گر بشار اسد بیش از ۳۰ نفر را کشته و صدها نفر را مجروح کردند و تعداد زیادی را نیز بازداشت و روانه زندان ها نمودند. در هفته های اخیر و بدنبال جنبش های آزادیخواهانه در کشورهای تونس، مصر، یمن و بحرین در سوریه نیز اعتراضات و قیام های مردمی علیه حکومت حزب بعث و خاندان اسد نمایان شده است. این تحركات ضد دیکتاتوری و آزادیخواهانه که از شهرهای «درعا»، «دمشق»، «لاذقیه»، «بانیاس» و «حمص» آغاز شد اکنون به سرتاسر سوریه و حتی به روستاها گسترش یافته است. اعتراضات به حکومت خودکامه سوریه قبلا در روزهای جمعه صورت میگرفت ولی به تدریج اعتراضات و تظاهرات ضد دولتی به امری روزانه تبدیل شده است. طی این اعتراضات و تظاهرات آزادیخواهانه و ضد دیکتاتوری تاهنگام رقم خوردن این سطور بیش از سیصد نفر کشته و صدها نفر زخمی و هزاران نفر بازداشت شده اند. تظاهر کنندگان مجسمه های حافظ اسد را سرنگون و عکس های بشار اسد را به آتش میکشند و فریاد «آزادی، آزادی» سر میدهند.

«بان کی مون» دبیر کل سازمان ملل متحد با محکوم کردن خشونت ها علیه مردم معترض سوریه خواستار انجام تحقیق در مورد قتل های اتفاق افتاده گردیده است. «مارتین نسیرکی» سخنگوی دبیر کل سازمان ملل نیز گفت که باید تحقیقاتی شفاف در مورد این قتل ها صورت بگیرد و اشخاص مسئول این قتل ها باید با پیگرد قانونی مواجه شوند.

نخست وزیر ترکیه میگوید که بشار اسد رانصیحت کرده که هر چه زود تر اصلاحاتی قابل لمس را برای آرام کردن مردم سوریه بعمل آورد. مقامات مهم سیاسی آمریکا و کشورهای اروپایی همگی با محکوم کردن خشونت و سرکوب در سوریه خواستار رعایت حقوق بشر و تن دادن حکومت سوریه به حقوق سیاسی مردم این کشور شده اند. در این میان دولت بشار اسد ظاهرا اصلاحاتی را آغاز کرده است. اسد دولت «ناجی عطری» را برکنار و «عادل سفر» را مامور تشکیل دولت جدید نمود. او دستور داد که یونیوی تازه ای را که در حومه دمشق افتتاح شده بود تعطیل کنند. او دستور داد به کردهای شمال سوریه که فاقد تابعیت سوریه بودند، تابعیت سوری داده شود. او دستور داد تعدادی از کردها را که به جرم برگزاری مراسم نوروز زندانی شده بودند و همچنین تعدادی از زندانیان تظاهرات اخیر را آزاد نمایند. او گفت که آزادی مطبوعات را میپذیرد. بشار اسد در روز پنجشنبه اول اردیبهشت ماه جاری لایحه لغو وضعیت فوق العاده را که مورد درخواست معترضان بود امضاء کرد ولی روز بعد یعنی روز جمعه دوم اردیبهشت باز هم تظاهرات اعتراضی صدها هزار نفری مردم ادامه یافت و باز هم حدود یکصد نفر دیگر از مردم توسط نیروهای سرکوب گر حکومت کشته شدند. و این روز بنام جمعه بزرگ یا جمعه خونین نام گرفت. در روز شنبه سوم اردیبهشت در جریان تشییع جنازه کشته شدگان روز جمعه خونین باز هم ۹ نفر دیگر در شهرهای مختلف سوریه کشته و ده هانفر مجروح شدند. اکنون اینطور به نظر میرسد که دیگر برای انجام این اقدامات اصلاحی و این وعده و وعید های فریبنده خیلی دیر شده باشد. آتش بغض و نفرت مردم از سرکوب ها و فسادها و از حکومت به ظاهر جمهوری ولی دراصل حکومت مادام العمر و موروثی خاندان اسد و از این همه خشونت و کشتار های اخیر و دروغ گوئی های بعد از آن، آنچنان مشتعل شده که با این اصلاحات سطحی و این وعده ها خاموش شدنی نیست. دیکتاتورهای مثل بشار اسد و علی عبدالله صالح و معمر قذافی وال خلیفه سرنوشتی غیر از سرنوشت «بن علی» و «مبارک» نخواهند داشت.

امواج بلند اقیانوس متلاطم خیزش های آزادیخواهانه ملت ها در کشورهای خاورمیانه و قیام علیه حکومت های استبدادی و حکام دیکتاتور سرانجام سوریه راهم در هم نوردید. کشوری که سالهاست در آن آزادیهای سیاسی مثل آزادی احزاب و اجتماعات و آزادی انتخابات خبری نیست و سالهاست که حکومت در اختیار تنها حزب مجاز یعنی حزب بعث است. و در حقیقت به نام «جمهوری» یک حکومت مادام العمر و موروثی با خشونت تمام در این کشور مستقر است. سوریه کشوری است با تمدن و فرهنگ درخشان با بیش از پنج هزار سال تاریخ که در قلب خاورمیانه و تقریبا در محل تلاقی سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا قرار گرفته است. و پایتخت آن دمشق که همان شام قبلی است به عنوان نخستین پایتخت جهان شناخته میشود. خاک سوریه به بین کشورهای ترکیه، عراق، اردن، اسرائیل و لبنان و بخشی از آن هم در کنار دریای مدیترانه واقع شده است. سوریه ۱۸۵۱۸۰ کیلومتر مربع مساحت دارد که بخش کوچکی از آن که اهمیت استراتژیک ویژه ای دارد یعنی بلندیهای جولان از سال ۱۹۶۷ تحت اشغال اسرائیل میباشد. سوریه حدود بیست و یک میلیون نفر جمعیت دارد که ۷۴ درصد آنان مسلمان سنی، ۱۳ درصد علوی و شیعه، ۱۰ درصد مسیحی و ۳ درصد دروزی میباشد. اقتصاد سوریه بر پایه کشاورزی، صنایع، تجارت، تورسم و مقداری هم فروش نفت بنا نهاده شده است. حاکمیت در سوریه در طول تاریخ تحولات بسیاری را پشت سر گذاشته و چندین بار توسط قدرت های مختلف منطقه دست به دست گشته است. پس از جنگ جهانی اول و فروپاشی امپراطوری عثمانی سوریه هم مثل بسیاری از کشورهای خاورمیانه به صورت کشوری پادشاهی از دل امپراطوری تجزیه شده عثمانی بیرون آمد و پس از آن سالها تحت استعمار و قیمومت فرانسه قرار داشت. در سال ۱۹۴۶ سوریه استقلال یافته و نظام آن جمهوری شد و در همین سال حزب بعث با ایدئولوژی ناسیونالیسم عربی همراه با سوسیالیسم توسط میشل عفلق و صلاح الدین بیطار بنیان گذاری شد. با تاسیس حزب بعث حافظ اسد ۱۶ ساله به این حزب پیوست و پس از ۲۴ سال یعنی در سال ۱۹۷۰ به مقام رهبری حزب تکیه زد. سپهبد حافظ اسد رهبر حزب بعث در سال ۱۹۷۱ با یک کودتای نظامی حکومت سوریه را در اختیار گرفت و سپس در انتخاباتی که او تنها نامزد آن بود با ۹۹/۲ درصد آراء ریاست جمهوری سوریه را بدست آورد و پس از آن هم با برگزاری چهار بار انتخابات فرمایشی دیگر و هر دفعه با کسب نزدیک به صد درصد آراء به ریاست جمهوری خود تداوم بخشید. و بمدت سی سال رئیس جمهور مادام العمر سوریه گردید. حافظ اسد از همان ابتدا با بهره گیری از مقررات وضعیت فوق العاده، با ممنوعیت فعالیت احزاب و برگزاری اجتماعات و ممانعت از انتشار مطبوعات آزاد دیکتاتوری سنگین و جامعه ای بسته و مختنق و حاکمیتی شبه استالینستی را به کشور سوریه تحمیل نمود. از نظر سیاست خارجی، بندبازی سیاسی و جلب حمایت مالی و سیاسی بعضی از کشورهای منطقه به بهانه مبارزه با اسرائیل و همچنین برقراری پیوند قوی با اتحاد جماهیر شوروی سابق را وجهه همت خود قرارداد و از نظر سیاست داخلی اعمال وضعیت فوق العاده و پایمال کردن آزادی های ملت سوریه و سرکوب و حشینه مخالفان و استفاده از داغ و درفش را شیوه حکومت خود نمود. او در سال ۱۹۸۲ برای سرکوب اعتراضات و شورش مردم شهر «حمه» با بمباران هوایی و استفاده از آتش توپخانه این شهر را در هم کوبید و بیش از ده هزار نفر را کشت. این شبیه همان حرکتی است که چند هفته پیش، سرهنگ معمر قذافی در برخی از شهرهای لیبی انجام داد که مورد اعتراض جامعه جهانی و سازمان ملل متحد قرار گرفت و قطعنامه پرواز ممنوع برای دولت قذافی صادر گردید در حالیکه حافظ اسد بدون اعتراضات جهانی چشم گیر و قطعنامه سازمان ملل، ۲۹ سال قبل همین جنایات را در ابعادی بسیار گسترده تر مرتکب شد. او در برخورد بیرحمانه با مخالفان خود در تنگ نمیکرد و حتی برادرش «رفعت اسد» را که او را در رسیدن به قدرت بسیار حمایت کرده بود برای همیشه از خاک سوریه اخراج نمود. او نه تنها آزادی احزاب و اجتماعات و آزادی انتخابات را بدست فراموشی سپرده بود بلکه به مردم سوریه حتی اجازه استفاده از تلفن موبایل را نیز نمیداد. از طرف حافظ اسد حرکات سیاسی متناقض بسیار دیده میشد. او از یک طرف بر طبق اصول اعتقادی حزب بعث طرفدار ناسیونالیسم عربی و نوعی پان عربیسم بود و از طرف دیگر دیدیم که قبل از ریاست جمهوری خود در سال ۱۹۶۱ همراه با چند نفر افسر سوری کودتایی را ساماندهی کرد که جمهوری متحد

### وقایع ایران در سال ۱۳۸۹

هم باتلاشی بیشتر در حذف ویا تغییر رشته های علوم انسانی وعلوم اجتماعی گام برداشتند تا حدی که وزیر علوم اعلام کرد: «شفاف و واضح می گویم شما حق ندارید کسی را به دانشگاه جذب کنید که در مسیر عملی التزام با ولایت فقیه نباشد..... اگر دانشگاهی باشد که صدای اذان ظهر به بهانه آسیب به کلاسهای درس بلند نشود و اگر در دانشگاهی فرهنگ بسیج مورد تمسخر قرار گیرد واگر..... مردم ایران ،دانشجویان و اساتید آن را باخاک یکسان میکنند.» سخنان وزیر علوم گویای وضع دانشگاه های کشور و محیط پادگانی آن میباشد. در مدارس هم سیاست همانست که در دانشگاه ها بود. درسال تحصیلی ۹۰-۸۹ یکپهزار روحانی به مدارس سراسر ایران اعزام شدند زیرا که دولت اصول گرا برنامه های اجرایی در مدارس را کافی نمیداند. در وزارت آموزش وپرورش برای روحانیون جوان مسئولیت هائی در پایگاه ها ودارالقران ها قائل شدند که آنها راورد شدن افسران جنگ نرم در مدارس اعلام نمودند. این روحانیون را برای پیشگیری از آسیب های اجتماعی واز آن جمله آسیب های پر خطری چون جنگ نرم به مدارس روانه کردند. واز سوی دیگر از چهار هزار مدرس تربیت سیاسی برای دور کردن دانش آموزان از فتنه های دشمن به چهار هزار مدرسه درسال ۸۹ خبسر دادند که اینان مستقیما زیر نظر سپاه پاسداران انجام وظیفه می کنند.

با نگاهی که به چند واقعه مهم سال ۸۹ در ایران داشتیم و با این سیاست های نادرست حاکمیت بنظر نمیرسد که سرنوشت چندان امید بخشی درانتظار ایران باشد. از آغاز دولت نهم که در پی برخورد های درون حکومتی، جناح اصول گرا بر همه بخش های حکومتی تسلط یافت دیده میشود که روند آشفته تر شدن اوضاع که از سال ۸۴ سرعت یافته بود هرچه سریعتر به پایان خود نزدیک میشود.

درسال ۸۹ دولت درآمد شگفت آور وبسی ماندنی به مبلغ حدود ۴۳۰ میلیارد دلار از فروش نفت وگاز بدست آورد باید توجه داشت که در ۳۲ سال گذشته کل درآمد حاصل از فروش نفت وگاز ۸۷۵ میلیارد دلار بوده که نزدیک به نیمی از این مبلغ درسال ۸۹ بعلت افزایش قیمت نفت وگاز در بازارهای جهانی به حساب دولت جمهوری اسلامی واریز شده است.

درسال ۸۹ باتوجه به گزارش صندوق جهانی پول نرخ رشد اقتصادی ایران نزدیک به صفر بوده است وهیچگونه تناسبی با درآمدهای دولت ندارد. با تمام کوششی که دولت در اجرای قانون هدفمند کردن یارانه ها آغاز کرد واجرایی قانون آنرا در دوماهه آخر سال ۸۹ عملی نمود ولی چندین برابر شدن هزینه مردم در زمینه انرژی، معترضین فراوانی داشت. در مورد این اعتراض ها تصمیم قاطعی گرفته نشد. دولت ابتدا درمورد تعدیل هزینه گاز که دربرخی موارد تاده برابر قیمت قبلی شده است وعده وعیدهایی داد ولی بعدا مسئله در سکوت نگاهداشته شد وتوانست وعده خودرا به مورد اجرا درآورد. هنوز اثر افزایش قیمت های حامل های انرژی در سبد خانواده ها مشخص نشده ولی درسال ۹۰ تاثیر آن بر اقتصاد خانواده نمایان میشود ومبالغ پرداختی بعنوان یارانه ها به مردم بنظر نمیرسد بتواند مشکل پیش رو را برای خانواده ها حل کند. بسیاری از صاحب نظران برآند که درسال ۸۹ اقتصاد ایران زمین گیر شده ونور امیدی برای سال ۹۰ به چشم نمیکورد. سال ۸۹ زمانی پایان یافته میباشد که اقتصاد ایران در بن بست ودر سردرگمی وناپسامانی، حقوق بشر وآزادی های اولیه انسانی پامال صاحبان قدرت وتحولات گسترده وبسی سابقه آفرینا وآسیب و جوامع خاورمیانه در کنار جامعه ایران مشهوداست. با این نگاه آیا میتوان آینده بهتری برای سال ۹۰ پیش رو داشت ؟

شده است. درسال ۱۳۸۹، سراسر کشور بویژه شهرهای بزرگ وتهران بشکل کاملا امنیتی تحت کنترل بودند ونگرانی حاکمیت از اعتراض مردم خشن ترین اشکال امنیتی ونظامی را بر ملت تحمیل کرد.

در سال ۱۳۸۹ گفتگو درمورد انرژی هسته ای کم رنگ تر بود ومذاکره با گروه کشورهای ۱+۵ به شکست انجامید. درسال ۸۹ سه دوره مذاکره بین ایران ونمایندگان شورای امنیت و آلمان با میانجیگری ترکیه به هیچ نتیجه ای نرسید.

تحریم های شورای امنیت وهمچنین تحریم های یک جانبه آمریکا واتحادیه اروپا درسال ۸۹ افزایش یافت. سالی که گذشت توجه جهانیان به نقض حقوق بشر وهیپمال شدن حقوق ملت ایران بیش ازپیش بود. برابر گزارش عفو بین الملل وسازمان حقوق بشر ایران، ایران بالاترین آمارسرانه اعدام را در دهساله اخیر جهان دارا بوده است. این سازمان به شدت ابراز نگرانی کرد که درسال ۲۰۱۱ اعدام ها افزایش یابد. آقای بان کی مون دبیرکل سازمان ملل متحدبا ارائه گزارشی از وضع حقوق بشر در ایران در شهر ژنو اعلام کرد: «ایران سرکوب مخالفان راشدت بخشیده ویر اعدام زندانیان سیاسی ونوجوانان مجرم وهمچنین قاچاقچیان مواد مخدر افزوده است» بان کی مون بشدت نگرانی خود را از اجرای احکامی چون شلاق وسنگسار وقطع عضو وهمچنین دستگیریها وبازداشت های خودسرانه وید رفتاری با فعالان اپوزیسیون بیان نمود. او از حکومت ایران خواست به نمایندگان ویژه حقوق بشر اجازه ورود به ایران رابدهد. چون از سال ۲۰۰۵ تاکنون دولت ایران از صدور اجازه ورود برای این نمایندگان ویژه سازمان ملل متحد خودداری کرده است. در سی ام آذرماه ۸۹ مجمع عمومی سازمان ملل متحد قطعنامه مصوب کمیته سوم مجمع عمومی را درباره ایران تصویب کرد. در این قطعنامه به شدت از مجازات های خشونت بار در ایران انتقاد شده بود. این قطعنامه که توسط کانادا به کمیته سوم برده شده بود برای موافق ۸۰ نفر تصویب شد. ۵۷ کشوربه آن رای ممتنع و ۴۴ کشور رای مخالف دادند و تلاش دولت جمهوری اسلامی برای جلوگیری از تصویب این قطعنامه بجائی نرسید. مشابه این قطعنامه در سال ۲۰۰۹ با ۷۴ رای تصویب شده بود.

در سال ۱۳۸۹ سانسور رسانه ها شدت بیشتری یافت که میتوان این سال را سال سانسور مضاعف نام داد. دربهمن ماه سال ۸۹ راهپیمائی وتظاهرات اعتراض آمیز مردم انجام گرفت وچندی بعد طرفداران دولت هم در یک تظاهرات دولتی حضور یافتند. معاون فرهنگی وزارت ارشاد رسما اعلام کرد مطبوعاتی که حتی یک خط در باره راهپیمائی روز ۹ دی (منظور روز تظاهرات طرفداران حاکمیت است) خبری نداده باشند درانتظار حمایت ودریافت یارانه مطبوعات نباشند. و در این سخنان آشکارا مشاهده میشود که چگونه با بی پروائی سانسور رسانه ها اعمال میشود وآنان که در تایید حکومت مینویسند از همه کمک های نقدی وغیرنقدی برخوردارند و دیگران تهدید به قطع کمک ها میشوند. درسال ۸۹ تعداد زیادی از مراکز انتشاراتی تعطیل شد. کمیته حمایت از روزنامه نگاران جهان ایران را بزرگترین زندان روزنامه نگاران جهان لقب داد. در گزارش گزارشگران بدون مرز درسال ۲۰۱۰ ایران بیشترین تعداد روزنامه نگاران تبعیدی جهان را بخود اختصاص داده است.

دانشگاه ها درسال ۸۹ باافزایش تعداد دانشجویان مواجه بود وتعداد دانشجویان سبیر صعودی خود را طی میکرد وتعداد دانشجویان به سه میلیون وهشتصد هزارنفر افزایش یافت ومبارزات آزادیخواهانه دانشجویان در جو بسته وامنیتی دانشگاه ها با توجه به امکانات تداوم یافت ومسئولین دانشگاه ووزارت علوم

مهمترین واقعه سال ۱۳۸۹ تلاشی بود که دولت انجام داد تا سرانجام در ماههای پایانی سال، قانون هدفمند کردن یارانه ها را به مرحله اجرا در آورد. با اجرای این قانون بلا فاصله قیمت تمام حامل های انرژی (گاز وبنزین ونفت) وبرق و آب وهزینه حمل ونقل به چندین برابر افزایش یافت وانچه که بخش اساسی غذای روزانه مردم ایران را تشکیل میداد نان بود که به بهانه بهبود کیفیت یارانه آن حذف شد ونرخ نان در قیمت بالائی تثبیت گردید ودرمقابل ماهیانه مبلغ چهل وچهار هزارویانصد تومان به حساب هر فرد ریخته شد که این افزایش ناگهانی قیمت ها را جبران کند. البته چهار هزار ویانصد تومان از این مبلغ به عنوان یارانه نان پرداخت گردید. درسال ۱۳۸۹ برای آماده کردن مردم در برابر این شوک ۳۷۷۷ مبلغ به سراسر کشور اعزام شدند تا مانع اعتراضات مردم شوند. با وجود این سال ۱۳۸۹ سال افزایش اعتراضات مردم به نبودن آزادیها وبسی عدالتی ها بود. در کارخانه های سراسر کشور اعتصابات متعددی صورت گرفت که کارگران به کمی حقوق ودستمزدهای اعلام شده از سوی دولت وکارفرمایان معترض بودند. درسال ۱۳۸۹ افزایش دستمزد کارگران ناچیز ومبلغ غیر قابل توجهی بود.

دولت برای آنکه با اعتراض های بیشتر مردم مواجه نشود از انتشار آماراقتصادی صحیح خود داری کرد ونرخ واقعی تورم ورشد اقتصادی کشور راز مردم ایران پنهان نگاهداشت. ولی درپایان سال گزارش صندوق جهانی پول نشان داد که رشد اقتصادی ایران درسالهای میلادی ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰ که سال ۸۹ در دوسال اخرواقع است از یک درصد بالا تر نرفت ودر سال ۲۰۱۱ به صفر خواهد رسید که ازبسیست کشور آفریقائی وخاورمیانه ای پائین تر خواهدبود.

درسال ۸۹ بیکاری به رشد خود ادامه داد ومركز آمار ایران ۱۴ / ۶ درصد را برای بیکاری انتشار داد که درمحافل داخلی وخارجی رقمی قابل قبول بنظر نیامد. چون خانه کارگر که مرکزی دولتی است میزان بیکاری را عدد ۱۷ درصدرا اعلام کرده وآنها درست میدانند ودر هفته سوم فروردین ماه ۹۰ نماینده قزوین در مجلس شورای اسلامی اظهارداشت که نرخ بیکاری را مخفی میکنند و به نظر او نرخ بیکاری اکنون ۱۵ / ۶ درصد است این درحالیست که از طرف کارشناسان مستقل میزان نرخ بیکاری خیلی بیشتر از این ارقام ذکر میشود. درسال ۱۳۸۹ دولت مدعی قدرت مدیریت سرجهان نتوانست بودجه سال ۹۰ را درموضع مقرر به مجلس ارائه نماید واین کار با ۷۵ روز تاخیر انجام گرفت وبودجه سال ۹۰ به شکل ۲ دوازدهم یعنی فروردین واردبیهشت را باملک های سال ۸۹ بدون تغییر در ۲۳ اسفند ۸۹ به تصویب مجلس رساند که دولت میتواند تا سقف ۱۵ میلیارد دلار اجازه دریافت و پرداخت ماه های فروردین و اردیبهشت سال ۱۳۹۰ را داشته باشد. واین نشانی دیگر از ناتوانی دولت در مدیریت وتنظیم برنامه های کشوری بود.

درسال ۸۹ جنگل های ایران در وضع نا پسامان تری قرار گرفت به صورتی که برخی کارشناسان محیط زیست، سال ۸۹ را سال مرگ جنگل های ایران نام نهادند. در این سال بی توجهی به محیط زیست ایران قطع درختان وآتش سوزی جنگل ها خسارات زیادی به محیط زیست ایران وارد ساخت. کارشناسان نقش عوامل طبیعی در ویرانی جنگل ها را ۵ درصد ونقش عوامل انسانی را ۹۵ درصد میدانند وچون سازمان های محیط زیست وجنگل های ایران حداقل وسیله را برای مقابله باویرانی ندارند میتوان مسئولین دولتی را موثر ترین عامل در نابودی جنگل ها ومحیط زیست بشمار آورد. برابر گزارش های انتشار یافته از سوی دولت در سی ودو سال اخیر نودوشش هزار هکتار از اراضی جنگلی زاگروس مرکزی تخریب ویا تغییر کاربری داده

## نگاهی به موقعیت استراتژیک خلیج همیشه فارس

به همین سبب آمریکا که ایران را یکی از مهمترین اعضاء سازمان دفاعی پیمان مرکزی (سنتو) قرار داده بود، موافقتنامه‌های دوجانبه‌ای نیز با کشورهای عضو پیمان منطقه‌ای به امضاء رسانید که در مورد ایران چنین بود: «دولت ایران مصمم است در برابر تجاوز بایستد، در صورتی که به ایران تجاوز شود دولت ایالت متحده آمریکا هر گونه تدبیر شایسته از جمله کاربرد نیروهای مسلح را به موجب توافق متقابل که صورت گرفته برای کمک به دولت ایران بنا به درخواست وی اتخاذ خواهد کرد.»

بنابر همین برداشت بود که هنری کیسینجر در کتاب «سالهای کاخ سفید» نوشت: «ایران به خوبی میتوانست خلاء حاصله از خروج نیروهای انگلستان را از منطقه خلیج فارس با ارتش ایران پر کند و در برابر تحریکات عناصر افراطی و رادیکال و عوامل شوروی در منطقه بایستد، ایران از ما کمک بلاعوض نظامی نمی‌خواست و هزینه‌های مربوط به خرید اسلحه و تجهیز نیروهای نظامی خود را از محل تولید نفت تأمین میکرد و برای آمریکا چه بهتر از این که نه فقط برای تأمین منافع حیاتی غرب و خود در خلیج فارس کمترین هزینه‌ای از جیب مالیات دهندگان آمریکایی و ممالک استفاده‌کننده از نفت نمی‌پرداخت، بلکه تولیدات کارخانه‌های اسلحه‌سازی و سایر لوازم و وسایل تکنولوژی مربوط به آن را نیز به قیمت خوب می‌فروخت.»

بنابراین کشور ایران نه تنها در چپه تنظیم خلیج فارس و حتی خاورمیانه گردیده بود، بلکه دست آن در بهره برداری کلیه مصالح ژئوپولیتیک ابرقدرت آمریکا به صورت (جایگزین) باز گذارده شده بود و این قدرت با بروز انقلاب و سپس جنگ ایران و عراق به کلی متزلزل شد و مجدداً تعادل و موازنه قوا در منطقه به هم ریخته شد.

در این شرایط، حکومت جمهوری اسلامی سر برآورده از هشت سال شددان زمان جنگ با قبول صلح به دوران نویدبخش ایجاد تعادل، بازسازی کشور و امید دهنده رفاه و آزادی و ثبات و امنیت رسیده بود و با پیش آمد شگفت‌انگیز فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و پایان جنگ سرد که افق‌های جدیدی در ایجاد روابط منطقه‌ای بین دول را مطرح می‌ساخت، بی‌تردید زمینه مناسبی را فراهم آورده بود که یک دولت میانه رو و بصیر میتوانست با روابط متعارف بین المللی و با در نظر گرفتن اولویت ایجاد مجدد امنیت رها شده آبراه عظیم استراتژیک خلیج فارس و توجه به تخفیف نگرانیهای کشورهای ذینفع، ضمن برقراری مذاکرات دیپلماتیک سریع و ضروری نوعی هماهنگی منطقه‌ای به وجود آورد تا در نتیجه امتیازات از دست رفته کشور مجدداً به دست آید.

ولی با آن شرایط چنان که دیده شد، نویدی متناسب با طرز تلقی نظریه پردازان و روشن بینان کشور ظاهر نگردید و حرکت تاریخی ایران جنگ زده و تلفات دیده همچنان با شدت عملی در سیاست داخلی و روش خصمانه با کشورهای دیگر در جهت گیری سیاست خارجی پابرجا ماند که از آن بابت فشارهای نامطلوب سیاسی - اجتماعی و اقتصادی فراوانی را به ملت ایثارگر ایران تحمیل نمود تا جایی که امید اولیه آزادیخواهان و ایران دوستان را به توان دگرگون سازی ضروری داخلی و خارجی به پاس تبدیل کرد و روشن ساخت که خط مشی سیاسی ایران باز تابع واقعیت‌های تاریخی و جغرافیایی و شرایط مستقر منطقه‌ای و بین المللی نمیشد تا کشور را از عدم تعادل داخلی و انزوای جهانی خارج سازد.

در چنین وضعیتی به وضوح بی‌تفاوتی سیاسی ایران نسبت به احیای سریع حقوق ضایع گشته در خلیج فارس به چشم می‌خورد و خطر سلب آن حقوق در بروز حوادثی غیرمترقبه احساس میگردد و چنانکه پیش بینی میشد دیری نپایید که نیروهای مسلح غرب به سرکردگی ابرقدرت منحصر و امیدوار نظم نوین جهانی (کشور آمریکا) با تمسک به آزادسازی کشورهای به اصطلاح شرور منطقه، با حضور گسترده در خلیج فارس و ساقط نمودن حکام دو کشور افغانستان و عراق و ایجاد پایگاه‌های متعدد ثابت و متحرک نظامی، امکان اتخاذ هر گونه طرحی را به منظور تأمین امنیت منطقه حساس خلیج فارس را که از حقوق مسلم کشورهای ساحلی به ویژه ایران میباشد، از آنان سلب کرده است و با ایجاد اختلاف و تعارض بین کشورهای ساحلی علاوه بر تضییع حقوق حقه‌ی ایران ضمن تحریکاتی پشتیبانی شده، ادعای مشکوک پاره‌ای از شیخ نشینان ساحلی را نسبت به جزایر مهم ابوموسی و تنب بزرگ و کوچک متعلق به ایران که تسلط استراتژیک به تنگه هرمز دارد، علم ساخته اند و بدین ترتیب مقدمه مشنومی از یک تهدید بالقوه خارجی آمریکا و منطقه‌ای وسیله شیخ نشین‌ها طراحی شده است. متوجه امنیت ملی کشورمان نموده اند که این پدیده از مضللات تاریخی زمان حالمان است که هر گونه سهل انگاری، ندانم کاری، سیاست بازی و سازش کاری و خود محور پها در راه احقاق حقوق مسلم و معقولان از طرف هر فرد، سازمان و اورگانی خیانت‌علنی به میهن تلقی میگردد و ارائه هر راهکار سنجیده برای برون رفت از این بحران وظیفه وجدانی وطن پرستان و واقفان بی‌طرف به امور سیاسی میباشد.

خلیج فارس قرن‌ها یکی از شاهراه‌های مهم ارتباطی و بازرگانی بین شرق و غرب کشورهای همجوار بوده است، پدیده اکتشاف و استخراج و رقابتهای تولید نفت در قرن اخیر نیز به اهمیت عظیم آن افزوده است به نحوی که مسئله نفت و استخراج و صدور آن تقریباً موضوع اصلی مذاکرات سیاسی زمان میباشد.

بدیهی است که وجود این چنین ذخایر عظیم نفت، خلیج فارس را همواره برای بیشتر قدرتهای جهانی به عنوان مهمترین منطقه استراتژیکی و حیاتی در آورده و مساله اهمیت این منطقه یعنی خلیج فارس، دریای عمان و حتی اقیانوس هند را مورد توجه خاص آنان قرار داده است.

به همین لحاظ تا زمانی که بریتانیای کبیر تسلط بدون معارض در این منطقه و راه یابی نفوذی کانال سوئز را نیز در کنترل مستقیم خود قرار داده بود، امنیت کامل در منطقه زیر سلطه غرب برقرار بود تا اینکه در پایان سال ۱۹۷۱ میلادی، امپراتوری انگلستان به دلایل مربوط به خود قوای مسلط خود را از منطقه بیرون کشید.

هنوز چندی از این عقب روی بریتانیا سپری نشده بود که قسمتی از ناوگان روسیه شوروی با توجه به سنت مسکو یعنی پر کردن خلا قدرت غرب در هر منطقه‌ای از جهان، در سال ۱۹۷۲ میلادی همزمان با ملاقات نخست وزیر شوروی از کشور عراق، از طریق خلیج فارس به ساحل آن کشور آمد و در این شرایط منافع استراتژیک گسترده آمریکا که پس از جنگ جهانی دوم به صورت قدرت مقتدری در آمده بود در این منطقه دچار تزلزل گردید و با ناوگان مختصر خود در دریای عمان نمیتوانست عملاً مانع موثری برای نفوذ علنی و واقعی نیروی دریایی شوروی در این ناحیه جهانی باشد، و از آن مهم تر ضعف عمومی کشورهای ساحلی که به حق میبایستی خود امنیت آبهای ساحلی و ذخایرشان را به عهده داشته باشند به هیچ وجه اجازه نمیداد که هیچ یک و حتی مجموعه آنان امنیت این منطقه ساحلی و سلامت رفت و آمد نفت کشورهای غول آسای جهانی را تأمین کنند.

به همین جهت در آن شرایط آمریکا، پس از احیای اقتصادی کشورهای جنگ زده اروپایی و آسیایی، برقراری گرایش کشور ژاپن به غرب و ایجاد سازمان دفاعی پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) که کلیه کشورهای اروپای غربی تا کشور ترکیه را در یک اتحاد سیاسی - اقتصادی و نظامی در مقابل اتحاد جماهیر شوروی قرار داد، با دقت متوجه خاورمیانه گردید و با درک اهمیت و موقعیت جغرافیایی این منطقه به موضوع حساس و حیاتی استراتژیکی کشور ایران توجه خاص مبذول داشت و با طرح حای نفوذی هر چه بیشتر به تلاش در بهره برداری گسترده‌ای از مقتضیات ژئوپلیتیکی این کشور در جهت منافع وسیع خود در منطقه خلیج فارس پرداخت و با توجه به عدم امکان اعزام نیروهای مناسب جهت تأمین منافع غرب در این منطقه حساس، طرح تقویت ایران به ویژه بنیه نظامی ارتش کشور را به منظور پر کردن خلا قدرت خود در منطقه و با توجه به مقتضیات به موقع اجرا گذارد.

هماهنگی رژیم ایران و آمریکا در مورد تأمین امنیت خلیج فارس در آن زمان نه تنها یک پیروزی سیاسی آمریکا در خاورمیانه تلقی میگردد، بلکه خواست استراتژیک حاکمیت وقت وابسته به غرب ایران را نیز در منطقه فراهم میساخت و بدین سان بار اصلی حراست از امنیت خلیج فارس و سواحل جنوبی آن با حمایت علنی و بی‌دریغ غرب به سرکردگی کشورهای متحده آمریکا در عهده ایران قرار گرفت که برای ایفای چنین نقشی تقویت بنیه اقتصادی کشور و نیرومندی نیروهای مسلح ارتش ایران با دلارهایی بود که با چهار برابر شدن ناگهانی قیمت نفت تأمین میگردد و این نقش نه تنها در خلیج فارس و دریای عمان بلکه تا قسمتی از اقیانوس هند با هزینه و حضور عملی نیروهای مسلح ارتش ایران به اجرا گذارده شد و دولت ایران به منظور تسلط کامل بر منطقه ابتدا حکومت کشور عراق را که با نیرومندی ساختن ارتش خود توسط اتحاد جماهیر شوروی قصد تسلط به خلیج به گفته خود (عربی) را در سر داشت و بر حاکمیت مطلق به رودخانه شط العرب یعنی اروندرود اصرار می‌ورزید با ارائه یک قدرت حساب شده نظامی و تهدید بالقوه، آن کشور را واداشت که صدام حسین معاون ریاست جمهوری وقت در الجزیره با امضای قرارداد ۱۹۷۵ میلادی، مجموعه پیشنهادهای ایران از جمله تقسیم شط العرب به عنوان ابراه مرزی دو کشور به نام (اروندرو) را بپذیرد و دولت ایران پس از این موفقیت با تهیه مقدمات ضروری از جمله استقلال تحمیلی بحرین سه جزیره استراتژیکی مجاور دهانه (هرمز) به نام های: ابوموسی، تنب بزرگ و کوچک را باز پس گرفت و بنا به دعوت سلطان قابوس برای سرکوب به اصطلاح شورشیان در آن کشور، نیروی متعادلی از ارتش را به منطقه ظفار گسیل داشت و با این تمهید تسلط نظامی ایران، تا سواحل جنوبی خلیج فارس نیز گسترده گردید و از آن پس چنان که گفته شد کشور ایران به عنوان متحد نیرومندی کشورهای غربی و عضو اصلی سازمان دفاعی مرکزی (سنتو) تنها عامل نظم و امنیت منطقه خلیج فارس و برقراری سد عظیمی در مقابل تجاوز ابرقدرت و وسعت طلب اتحاد جماهیر شوروی به بزرگترین مجموعه منابع نفتی و دستیابی آن کشور به آبهای گرم اقیانوس هند گردید.

## اصول اعتقادی جبهه ملی ایران بر گرفته از اساسنامه جبهه ملی

اصل اول - حفظ تمامیت ارضی، استقرار حاکمیت ملی و استقلال سیاسی برخاسته از اراده عمومی ملت ایران در نظام جمهوری مبتنی بر اصول دموکراسی، حقوق بشر و حاکمیت قانون.

اصل دوم - تاکید بر تامین و حفظ حقوق و آزادی های اساسی مردم ایران به ویژه آزادی احزاب، انتخابات و مطبوعات و تساوی حقوق زن و مرد و مبارزه با هر گونه تجاوز به حقوق بشر.

اصل سوم - جبهه ملی ایران برای حفظ احترام دین مبین اسلام و همچنین فراهم شدن امکان بهره گیری از تمامی توان ملی و مردمی جامعه ایران بر اصل جدایی دین از حکومت تاکید میکند.

اصل چهارم - استقرار عدالت اجتماعی و بالا بردن سطح رفاه عمومی بر اساس جهان بینی علمی، رشد تولید و افزایش اشتغال و توزیع عادلانه درآمد ملی.

اصل پنجم - احترام به حقوق شهروندی برابر و اعتقادات دینی و آداب و رسوم و زبانها و گویش های تمامی تیره ها و مردم سرزمین ایران.

اصل ششم - تقویت و پاسداری و گسترش زبان ملی و مشترک فارسی و فرهنگ و هنرهای ملی ایران.

اصل هفتم - اتخاذ سیاست خارجی مستقل ایرانی بر اساس حفظ مصالح و منافع ملی و حفظ تمامیت ارضی کشور و پشتیبانی از اصول و هدفهای منشور ملل متحد و دوستی و احترام متقابل با همه ملت ها و کشورها به ویژه کشورهای منطقه و مبارزه با هر گونه تروریسم فردی و گروهی و دولتی.

## اظهار همدردی با ملت ژاپن

جبهه ملی ایران نسبت به حادثه زلزله و سونامی واقع شده در ژاپن، با ملت بیدار و پیشرو ژاپن اظهار تاسف و همدردی مینماید و شعری از شاعر ملی آقای ادیب برومند رئیس شورای مرکزی جبهه ملی ایران را که در این زمینه سروده شده بنظر همگان میرساند.

### زلزله ژاپن

ز آنچه آمد بر سر ژاپون و شد این سان خراب دیده شاید گر بموید بر چنین سنگین عذاب آه از کار و ببار ملتی عزت نصاب مردمی جان پرور و خود یاور و عالیجناب می فرستد بس بلاها تا کجا جوید شتاب کاین چنین نادیده و نشنیده هرگز شیخ و شاب کز نهیب وی زمین پیچنده گشتت و پر ز تاب گر بسالی دم به دم باران فروریزد سحاب چون شود با زلزله همره زهی فصل الخطاب نا بهنگام و بروی آب خلقی چون حباب پایه ها شد همچو گندم زیر سنگ آسیاب نی عجب گر در هوا از ترس پر ریزد عقاب کان بتر باشد که بارد ز آسمان تیر شهاب کز زیانهایش محاسب بر نتابد احتساب چشم زخمی در ترقی خورد ژاپن ناصواب یاری و غمخواری ژاپن پی کسب ثواب گر یکی مضطر نشاید دیگران بی اضطراب سوی ژاپن می رود با دیدگانی پر ز آب

نی عجب کز دیده و تن در ربااید خواب و تاب دل سزد گر خون ببارد بر چنین خونین گزند وای وای از روزگار مردمی حسرت نصیب ملتی کارآمد و کوشا و ذلت ناپذیر آسمان چون برخوردش از جنایات زمین بس شگفت آمد جهان را زین خروشان زلزله کوه آبی سخت آمد بر سر ژاپن فرود کی شود همچند با موج فلک فرسای او سیل وار است آبتاز و سر به سر بنیاد کوب این بلا با زلزله همگام و شد هنگامه ای گرچه بس بنیاد را هر پایه بودی سخت پی از تکانه های زمین و ز غرش آب مهیب زینهار از این مصیبت، پخش ذرات اتم این بود دیگر بلایی جامع الاطراف و صعب چشم زخمی را که میگویند خلق افسانه نیست فرض باشد این زمان بر جمله اقوام اصیل بر بنی آدم به قول سعدی آن استاد فحل این مصیبت نامه کامد از سر کلک «ادیب» (۱) - سونامی را به آبتاز ترجمه کرده اند

## یاد و نام کاظم سکاکی را گرامی میداریم

اول فروردین ماه ۱۳۹۰ کاظم سکاکی پوینده دیر پای راه مصدق بزرگ و عضو پرسابقه سازمان کارمندان جبهه ملی ایران در سن شصت و هشت سالگی چشم از جهان فرو بست. کاظم سکاکی از زمان نوجوانی همراه سایر برادران و اعضای خانواده ارجمندش به صف طرفداران مصدق و جبهه ملی پیوست و تا آخرین روزهای زندگی روی اعتقادات آزادیخواهانه و میهن دوستانه اش پای فشرد. کاظم سکاکی مردی پاک نهاد و فرهیخته و انسانی شرافتمند، و عضوی صمیمی و استوار برای جبهه ملی ایران بود. یاد و خاطره او را گرامی میداریم و به روان پاکش درود میفرستیم.

کمیته تشکیلات جبهه ملی ایران - استان تهران

فروردین ۱۳۹۰

سپهر  
تجهم ملی ایران

نشریه داخلی پیام جبهه ملی ایران

با یاد

دکتر مهدی آذر و اصغر پارسا  
www.jebhemelliran.org  
E-mail: hejmi85@yahoo.com

## هموطنان عزیز

با تکثیر و توزیع این نشریه و ارسال آن برای دیگران از هر طریق که امکان آن را دارید ما را یاری دهید.